

«جوان» تبعات طولانی شدن تعیین تکلیف پرونده‌های دولتی را واکاوی می‌کند

ذبح اموال عمومی پای دادرسی‌های طولانی

اطاله دادرسی پرونده‌های حقوقی و کیفری نهادهای دولتی، ضمن تحریص متخلفان به استمرار اقدامات خلاف قانون

خسارت‌های مادی فراوانی به اموال عمومی وارد می‌کند



مسئولی در اداره ثبت اسناد

دادرسی است و همین آفت موجب تحمیل زیان در ساحت‌های مختلف شده است.

قانون «ابین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)» مشتمل بر ۲۹ ماده و ۷۲ تبصره در جلسه علنی روز یک‌شنبه ۲۱ فروردین ۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی تصویب و یک هفته بعد به تأیید شورای نگهبان رسید. طبق ماده ۳ این قانون، «ضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر یا فصل خصومت کنند. در صورتی که قوانین موضوعه کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطر وحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر کنند، نمی‌توانند به پنهان‌سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین از رسیدگی به دعوی و صدور حکم امتناع ورزند، والا متستکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد.» بر اساس ماده۴ قانون مزبور نیز «دادگاه‌ها مکلفند در مورد هر دعوی به طور خاص تعیین تکلیف و نباید به صورت عام و کلی حکم صادر کنند.»

می‌شود فهرست بلندبالایی از پرونده‌های مشمول اطاله دادرسی سیاهه کرد که هر کدام به دلایلی و شاید همگی به دلایل غیرموجهی در گوشه‌ای از اتاق‌های تودرتوی مرکز شهر خاک می‌خورند و لاید بعد از مدتی نیز ناپیدا می‌شوند!شاهپور کلاتری،

زیان، خسارت و خسران اطاله دادرسی چیست؟ یا پاسخ به چنین پرسششی از چند بعد، گوشه و کنج قابل بررسی است، چه آنکه ماهیت پرونده‌های مشمول اطاله دادرسی متفاوت است و هر کدام غبن، غرامت و خسارات منحصر به فردی به جامی‌گذارده، اما آنچه مهم است، حجم آسیب، گزند و البته دربرگیری آن است. به باور برخی کنشگران حقوقی، پرونده‌های حقوقی و کیفری نهادهای دولتی به واسطه تغییر مکرر مسئولان، نبود دلسوزی بین غالب گردانندگان آن مجموعه‌ها، مشمول «تعارض منافع»شدن برخی مدیران، فقصدان آگاهی کامل و البته ترجیح عاقبت به رنج حراست از اموال مردم در دالان‌های هزار توی محاکم قضایی متوقف می‌شود و حتی یا این فرضی که هیچ تبانی‌ای در میان نیست، به تنزیل و تخفیف حجم خسارات وارده و خارج کردن از گرنایگاه افکار عمومی منجر می‌شود.

■ ■ ■

اطاله دادرسی یعنی فرایند بررسی یک پرونده به طور غیرمعمول زیاد شود، ظاهر آن را روند «غیرمعمول» در نهاد ناظر کشورمان یک امر معمول است، چه آنکه یکی از مشکلات اساسی نهاد قضایی همین عارضه عفونی است، هر چند بارها مسئولان بزوردشست دستگاه قضا از اصلاح این روند و درمان آن سخن گفته‌اند، ولی آنچه فعلاً در عمل مشاهده می‌شود، استمرار اطاله

«جرائم رانندگی بازدارنده نیست» پر تکرار ترین جمله‌ای که از ابتدای سال جاری آن را شنیدیم.ایم. چندی پیش چانشین پلیس راهور گفت که جرائم رانندگی در ایران بازدارنده نیست و پیشنهاد شده است جرائم چند برابر شود.ابین افزایش، بالای ۲۰۰ تا ۳۰۰درصد پیش بینی شده است؛ خبری که واکنش‌های عامه مردم را به دنبال داشت، در حالی که همه می‌دانیم نوع جرایمی که عمدتاً مالی است، چندان بازدارندگی ندارد. تک‌تک ما در عین حال که خود از خاطیان رانندگی هستیم، در عین حال از میزان تخلفات رانندگی سا برین نیز به مسلوح آمده‌ایم. فارغ از به خطر افتادن ایجاد مختلف به خطر افتادن سلامت جسمانی، خدشه وارد شدن به سلامت روحی و روانی هم معضل کماهمیتی نیست. سؤال این است که آیا اساساً افزایش جرائم رانندگی می‌تواند بازدارندگی لازم و کافی را در خصوص تخلفات رانندگی داشته باشد؟! ■ ■ ■

ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی می‌گوید: «میزان جریمه‌های نقدی مقر در مواد این قانون متناسب با افزایش یا کاهش تورم هر سه سال یک بار بنا به پیشنهاد نیروی انتظامی و تأیید وزارخانه‌های دادگستری، کشور و راه و ترابری و تصویب هیئت وزیران قابل تعدیل است.» برآوردها نشان می‌دهد بیشتر از سه سال گذشته و تعبیری در نرخ جرائم نداشته‌ایم، اما این به معنی حمایت یا عدم حمایت از افزایش جرائم رانندگی نیست بلکه معضل اصلی این است که پرداخت مالی سنگین و سنگین‌تر مردم را در کف خیابان ملزم به رعایت قانون خواهد کرد یا خیر؟!

دور زدن قانون

به باور اکثر جامعه‌شناسان بازدارندگی تا زمانی است که مردم راهی برای فشار جریمه و ترس از مجرم شناخته‌شدن پیدا نکرده باشند. همه ما می‌بینیم راه‌های تخلف کردن در مکان‌هایی که پلیس راهنمایی و رانندگی و دوربین‌های ثبت تخلف وجود ندارد، بسیار است. امروز نه تنها خودروهای پیشرفته با نزدیک‌شدن به دوربین‌های ثبت تخلف اعلام موقعیت می‌کنند تا راننده سرعت ناگهانی خود را کاهش دهد بلکه نرم‌افزارهای تلفن همراه هم راننده را برای این کاهش سرعت همراهی می‌کند، چه بسا که همین معنی ناگهانی سرعت در جاده خطرات بیشتری به دنبال دارد. مثال دیگر در این زمینه تخلف پوشاندن پلاک خودروها برای عبور از دوربین‌های کنترل منطقه طرح ترافیک است. کافی است چند دقیقه‌ای نزدیک یکی از دوربین‌ها باشیم تا از نزدیک انواع مختلف

نیاز جهت اجرای کارشناسی را برشمرد.» این اظهارات در حالی

است که رئیس دستگاه قضا همین چند وقت پیش به تمامی قضات دستور داد در مفاد گزارش‌های ارجاعی کارشناسی نهایت دقت و امعان نظر را داشته باشند چراکه بعضاً نظریات کارشناسی، درست و صحیح هستند، اما عدم دقت قاضی و برداشت ناصواب او سبب نقض حکم صادره در مرجع بالاتر می‌شود و همین امر اطاله دادرسی را در پی دارد.»

برخی کارشناسان معتقدند، اطاله دادرسی پرونده‌های حقوقی و کیفری نهادهای دولتی، صرفاً به آن نهاد خسارات تحمیل نمی‌کند، چه آنکه در مجموع، خسارت صورت گرفته از جیب همه مردم تسویه و سرشکن می‌شود. ماجرا از این قرار است که برخی شرکت‌های دولتی درگیر پرونده‌های حقوقی هستند و از مدیران قبلی شرکت متبوع به دلیل تضییع اموال مردم شکایت کرده‌اند، اما روال رسیدگی به این پرونده‌ها مشمول مرور زمان می‌شود و عملاً رسیدگی‌ها به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و همین موضوع به کاهش ارزش ریالی حقوق تضییع‌شده در زمان صدور رأی منجر می‌شود و بعضاً نیز تا سال‌ها هیچ رأیی صادر نمی‌شود. جالب آنکه بعضاً فلان متخلف که امسال عمومی را به جیب زده است، متهم می‌شود و تا زمان صدور حکم، چندین ماه بلکه سال از تعیین تکلیف پرونده آن می‌گذرد و در همین مدت، به دلیل نوسانات بازارهای مختلف، بعد از مدتی با سود حاصل از تخلف صورت گرفته، می‌توان ضمن پرداخت اصل اموال به بیچاره فتنه و حتی سود و جریمه آن نیز بازهم با حجم زیادی از اموال بجا مانده طی طریق کرد!البته به قول رئیس قوه قضائیه «عدم دقت قاضی و برداشت ناصواب» نیز به اطاله دادرسی منجر و بعضاً نیز «تعارض منافع» برخی فعالان حوزه قضایی مزید بر علت می‌شود و شوربختانه در کوره اطاله دادرسی می‌دمد.

برخی شرکت‌های خصوصی بیشتر درگیر تبعات اطاله دادرسی پرونده‌های حقوقی و کیفری هستند؛ شرکت‌هایی که با اموال عمومی تأسیس و فر به شده‌اند و حال خود را خصوصی می‌نامند و به همین واسطه برخی مدیران حین خدمت، خود را محق دست‌انزداری در اموال شرکت و در اصل اموال مردم می‌دانند! بعد از مدتی که تیم بعدی سرکار می‌آید، در صورت پیروی از اصول وجدان آدمی، نسبت به اقدامات مدیریت قبلی معترض شده و پرونده قضایی تشکیل می‌دهد، اما آنچه در عمل از این جهد بر جای می‌ماند، طولانی‌شدن غیرمعمول فرایند رسیدگی و پرونده و مهان «اطاله دادرسی» می‌شود و این دور باطل نیز معمولاً ادامه می‌یابد.

■ **جمع بندی**

به نظر می‌رسد باید شعب ویژه برای رسیدگی به پرونده‌های شرکت‌های ذیل نهادهای دولتی تشکیل شود تا در اسرع وقت نسبت به تعیین تکلیف اموال عمومی اقدام کنند و اجازه ندهند منابع جمعی در فرایند طولانی قضایی تضییع شود، البته این موضوع نافی تشدید تلاش‌های واحدهای حقوقی شرکت‌های یادشده نیست و باید با جدیت نسبت به احقاق حق مردم گام بردارد. گلایه برخی کنشگران این حوزه نیز قابل تأمل است که طولانی‌شدن روند بررسی و پیگیری برخی پرونده‌های شرکت‌های دولتی- مخصوصاً شرکت‌های پولساز- غیر طبیعی است و باید عاجل‌واقعه کرد.

ترمز تخلفات رانندگی با افزایش جرایم کشیده نمی‌شود

دارد. امروز کمتر کسی است که واقعبت آزاردهنده کمبود شدید و گاه نبود پارکینگ مناسب را در خیابان‌های شهرهای بزرگ و حتی برخی شهرهای کوچک کشورمان با تمام وجود حس نکرده باشد. گویا برخی علائم و هشدارهای رانندگی صرف دریافت جریمه شده است. برای همه ما پیش آمده است و حتی در برخی خیابان‌های

در واقع متخلفان رانندگی زمانی که مجرم شناخته شوند، ابتدا امری غیر قابل پذیرش و موضوعی بازدارنده برای‌شان تلقی می‌شود اما با گذشت زمان و بینادکردن چگونگی راهکارها، ارتکاب به جرم یا همان تخلف بدون مجرم شناخته‌شدن موضوعی عادی برای‌شان می‌شود. مردم ما به این باور نرسیده‌اند که باید پذیرای قوانین راهنمایی و رانندگی باشند و تنها به خاطر پرداخت‌های مالی به رعایت قوانین نپردازند، در نتیجه شاید افزایش‌ها هم نتیجه روشنی برای کاهش تخلفات نداشته باشد.

■ **علائم دکوری و بی‌خاصیت**

در کنار این مهم، برخی قوانین و همچنین برخی تابلوها و آیین‌نامه‌های خلق‌الساعه و فاقد پشتوانه کارشناسی لازم و بعضی کمبودهای کاملاً مشهود نقش عمده‌ای در بروز برخی تخلفات بی‌معنا پنداند و در هر حالتی قانون را رعایت کنند



پرسش‌حقوقی

؟
بالیاس نامناسی در مشاعات ساختمان ظاهر شدن چه عواقبی خواهد داشت؟

طبق ماده۶۳۸ قانون مجازات اسلامی هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر نظاهر به عمل جرمای کند، علاوه بر کیفر عمل به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ضربه سلاق محکوم می‌شود و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نیست، ولی عفت عمومی را جریحه‌دار کند، فقط به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا تا ۷۴ضربه سلاق محکوم خواهد شد. تبصره این ماده می‌افزاید: زمانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ۱۰ روز تا دو ماه یا از ۵۰ هزار تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد، ضمناً در اثبات جرم نیازی به فیلمبرداری نیست. اگر همسایگان که شاهد هستند، شهادت دهند یا در تحقیقات محلی، مطلعمان، موضوع را تأیید کنند، دلایل کافی جهت احراز بزه خواهد بود.

؟
چرا باید از دواج را در دفاتر رسمی از دواج ثبت کرد؟

اگر ازدواج‌تان رسمی نباشد، مورد حمایت قانون نیستید، یعنی اگر بخواهید به موجب این‌ ازدواج دعوایی بر دادگاه مطرح کنید، چون ازدواج جایی ثبت نشده است، اصلاً به این موضوع رسیدگی نمی‌شود، مهم‌تر اینکه ثبت نکردن ازدواج مجازات هم دارد. اگر زوج این کار را انجام ندهد، یعنی بدون ثبت در دفاتر رسمی ازدواج دائم کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به جزای نقدی درجه۵ (بیش از ۸۰میلیون ریال) با حبس تعزیری درجه۷ (از ۱۱ روز تا شش ماه) محکوم می‌شود. قابل توجه خانم‌ها در این زمینه فقط آقایان جریمه و مجازات می‌شوند.

؟
تعطیلات رسمی جزو مهلت‌های دادگاه محسوب می‌شود؟

کم‌وبیش همه مردم با اختراجهای دادگاه مثل مهلت ۲۰ روز اعتراض به رأی یا مهلت هفت روز اعتراض به نظر کارشناس و امثال آن برای خود یا آشنایان مواجه بوده‌اند. آنچه اهمیت دارد این است که مهلت‌ها همیشه از روز بعد از ابلاغ محاسبه می‌شود و اگر در بین مهلت اعلام‌شده تعطیلی رسمی باشد، جزو مهلت محاسبه می‌شود و فقط اگر روز آخر مصادف با تعطیلی رسمی باشد، روز بعد از تعطیلی باید مراجعه کرد، این گونه نیست که تعطیلی‌ها را بشمارند و از مهلت اعلام‌شده داد گاه کم کنند.

؟
اگر مادر از دواج کند، حضانت دختر به عهده چه کسی است؟

مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی بعد از ازدواج مادری که حضانت دخترش با او بوده است، حضانت فرزند با پدر خواهد بود. طبق قوانین ایران حضانت فرزند تا رسیدن طفل به سن بلوغ (در دختران ۹سالگی و در پسران ۱۵سالگی) به عهده والدین است و شخصی که حضانت به او محول شده است، حق خودداری از حضانت یا اسقاط حق را ندارد. به عبارت قانونی «حضانت حق و تکلیف اوبین است»، به این معنی که والدین حق دارند حضانت و سرپرستی کودک خود را به عهده گیرند و قانون‌چیز در موارد استثنایی نمی‌تواند آنان را از این حق محروم کند و از سوی دیگر آنان مکلف هستند تا زمانی که زنده هستند و توانایی دارند، نگهداری و تربیت فرزند خویش را به عهده گیرند. مطابق ماده ۱۱۷۰ قانون مدنی بعد از ازدواج مادری که حضانت دخترش با او بوده است، حضانت فرزند با پدر خواهد بود.

دانشتنی

اشباهات رایج حقوقی

■ **از ارث محروم می‌کنم!**

این جمله را همه ما در جاهای مختلف شنیده‌ایم، ولی چنین امکانی از نظر قانون وجود ندارد و از اشتباهات رایج حقوقی است. طبق ماده۸۳۷ قانون مدنی اگر کسی به موجب وصیت یک یا چند نفر از ورثه خود را از ارث محروم کند، وصیت مزبور نافذ نیست.

■ **حق طلاق با زن است!**

حق طلاق با زوج (شوهر) است و این حق قابل انتقال به زوجه نیست. آنچه به اشتباه «حق طلاق» گویند، «وکالت طلاق» است که زوج به زوجه اعطا می‌کند تا زوج (با خانم) بتواند به وکالت از شوهرش خودش را طلاق دهد، اما توجه شود که در محاکم فقط وکیل دادگستری می‌تواند به نیابت از دیگری حاضر شود، پس زوجه باید حق توکیل به غیر داشته باشد تا با وکالت دادن به وکیل دادگستری بتواند وکالت در طلاق را اعمال کند.

■ **بیشتر از ۱۱۰عدد سکه نمی‌توان مهریه تعیین کرد!**

در عرف جاافتاده فقط مهریه تا ۱۱۰سکه را می‌توان وصول کرد اما به هیچ عنوان این طور نیست. مهریه را به میزان توافق‌شده مندرج در قباله ازدواج می‌توان وصول کرد، اما بحث ۱۱۰سکه به این شرح است که در خصوص وصول تا ۱۰۰سکه برگ جلب صادر می‌شود، می‌توان شوهر را به زندان انداخت و مزایاد در ۱۱۰سکه اینچنین نیست. به صورت کلی برای مهریه بالای ۱۱۰سکه دادگاه حکم حبس صادر نمی‌کند و خانم نمی‌تواند از مرد شکایت کیفری کند.

■ **تصادف بدون گواهینامه قتل عمد است!**

برخلاف آنچه در جامعه رایج شده است، تصادف منجر به فوت در صورت نداشتن گواهینامه، قتل عمد نیست و این فرهنگ غلط در بین افراد جامعه رواج پیدا کرده است که هر فردی بدون گواهینامه تصادف کند و شخص در تصادف فوت کند، مرتکب قتل عمد شده است، اما باید گفت اگر به دلیل نداشتن گواهینامه تصادفی رخ دهد و شخص مقابل فوت کند، فرد مقصر از شش ماه تا سه سال حبس و پرداخت دیه محکوم می‌شود که در این صورت بیمه دیه را پرداخت و سپس از راننده مقصر آن را دریافت می‌کند، همچنین دادگاه می‌تواند فرد مقصر را تا پنج سال از رانندگی محروم کند.

■ **دیه در ماه‌های حرام دو برابر است!**

گاهی بین مردم شنیده می‌شود که اگر شخصی در ماه حرام مرتکب جرمی موجب دیه شود، دیه را دو برابر بپردازد، در حالی که این باور غلط است. اگر در ماه‌های حرام یا در محدوده حرم مکه قتل رخ دهد، یک‌سوم مبلغ دیه به اصل افزوده می‌شود که به آن تغلیظ دیه می‌گویند. محرم، رجب، ذی‌القعدة و ذی‌الحجه ماه‌های حرام هستند و ماه صفر جزو ماه‌های حرام نیست. نکته مهم دیگر این است که اگر شخصی در ماه حرام به دیگری جراحاتی وارد کند و فرد در بیمارستان بستری شود و در ماه غیرحرام بر اثر جراحات وارده فوت کند، مشمول افزایش دیه نمی‌شود، زیرا هم عمل قتل و هم مرگ باید در ماه حرام باشد تا بتوان تغلیظ دیه را اعمال کرد.